

چرا تهران پایتخت شد

۸ مهر ۱۳۹۴ ساعت ۱۸:۲۰

واژه تهران که تا سده پنجم با «تا» نوشته می شد، اما اندک اندک با «طاء» نوشته شد و در دهه معاصر، دوباره به همان شکل سابق، به صورت «تهران» درآمد.

ناصر تکمیل همایون*: واژه تهران که تا سده پنجم با «تا» نوشته می شد، اما اندک اندک با «طاء» نوشته شد و در دهه معاصر، دوباره به همان شکل سابق، به صورت «تهران» درآمد. به دور از تصویرهای خیالی و افسانه ای، درست ترین معنای آن همان است که احمد کسروی بیان کرده است.

(گرمسیر) در برابر شمیران به معنای سردسیر و همانندی هایی هم در دیگر نقاط ایران دارد. روستای تهران در تاریخ ایران بسیار گم نام و کم نام و یکی از دهکده های کوچک ری بوده است تا آنکه دانشمندانی چون ابن حماد تهرانی (در گذشته ۲۶۱ق) و ابوبشر دولابی تهرانی (در گذشته ۳۱۰ق) از این خطه صاحب نام شدند. اما به نظر می رسد که شباهت شکل و مزه انار کوار» با انار «ری»، ابن بلخی را بر آن داشته است که بنویسد: «همه میوه های آنجا به غایت نیکو است؛ خاصه انار. کی مانند انار تهرانی است» (فارسنامه: ۱۷۰). از آن تاریخ به بعد (از سده ششم قمری)، اندک اندک نام تهران در آثار تاریخی و جغرافیایی فارسی و عربی دیده می شود (تاریخ فرهنگی و اجتماعی تهران، ج ۱، بخش ۱)

تهران پیش از پایتخت شدن قاجارها؛ از «مخیم حشم محتشم» تا «بلده طیبه طهران»

روستای تهران از سده هفتم هجری رو به توسعه و آبادانی گذاشت. در سال های ۸۰۶ یا ۸۰۷ق (۱۴۰۴) کلاویخو (Clavijo) که از اسپانیا عازم سمرقند و دیدار امیر تیمور گورکانی بود، از تهران عبور کرد و شرحی از روستای بزرگ و بدون دیوار و حصار تهران نوشت. شاه طهماسب صفوی به سال ۹۶۱ق (۱۵۵۳ تا ۱۵۵۴م) با کشیدن برج و باور در پیرامون آن (شش هزار گام) شهر تهران را بنیاد نهاد و چهار دروازه از چهار سو پدید آورد و به قول امین احمد رازی، «اشجار مثمره و باغات متنزه» و «هزاران اسواق مجلل» ایجاد کرد و سرانجام روستای سابق تهران «سمت شهریت پذیرفت» (هفت اقلیم: ۷).

در دوره شاه عباس اول تهران دارای «بیگلریگی» شد و جهانگردان اروپایی همانند پیترو دلواله (Lavalle De Pietrod) از آن دیدن کردند و به دلیل وجود چنارهای فراوان در تهران، نام «چنارستان» را به آن دادند. در دوره سوم سلطنت صفویه، موقعیت نظامی تهران بیشتر مورد توجه قرار گرفت و مانند دیگر شهرستان ها، مورد حمله و آسیب اقوام قندهاری (افغان ها) قرار گرفت.

پس از حمله افغان های قندهار به درون ایران، تهران شکل دیگری به خود گرفت. در کالبد شهر دگرگونی هایی پدید آمد؛ دروازه ای در بخش شمالی ارگی که در تهران وجود داشت تعبیه شد که افغان ها در زمان حمله بتوانند از طریق این دروازه به سمت کوه ها و مناطق دیگر فرار کنند. نادرشاه افشار آن شهر را «مخیم حشم محتشم» [خیمه گاه لشکریان نادر] ساخت (تاریخ جهانگشای نادری: ۲۲۴) و بدنی سان در دوره نادری، جنبه نظامی بیشتری پیدا کرد. حتی زمانی که به تیول رضاقلی میرزا، پسر نادرشاه درآمد بود، باز این شهر جنبه نظامی خود را حفظ کرده بود.

کریم خان زند نیز در آبادانی تهران کوشش کرد. در «تاریخ گیتی گشا»ی میرزا محمدصادق نامی اصفهانی، مفصل درباره تهران دوره زندیه و حضور کریم خان در این شهر سخن به میان آمده است. وی از تهران خوشش آمد و آب و هوای آن را پسندید؛ تا جایی که حتی کریم خان تصمیم گرفت آن را به صورت پایتخت درآورد و به این شهر لقب «بلده طیبه طهران» داده است. در این زمان، دو محله اودلاجان و چالمیدان در تهران ساخته می شود که این دو از ترکیب محل های کوچک سابق بوده است و تا پایان دوره قاجار با همین نام شناخته می شدند. (اودلاجان یا اولاجین، محل پخش آب بود که از این مکان آب را به محله های مختلف پخش می کردند).

علاوه بر این، با افزایش جمعیت در این شهر، کریم خان کاروان سرا و دکان هایی نیز بنا کرد و بنای بازار تهران که از دوره صفویه آغاز شده بود، در دوره کریم خان رونق فراوان پیدا کرد. شهر در دوره زندیه هنوز خندق و دروازه داشته و دروازه ها به وسیله پلی به زمین های اطراف وصل می شده است و مردم از روی این پل ها رفت و آمد می کردند.

کریم خان همچنین در سال ۱۱۷۳ق، دیوان خانه و خلوت خانه ای در تهران تاسیس می کند. خلوت خانه کریم خان در حال حاضر بخشی از کاخ گلستان با همین نام است.

کریم خان حاکمان چیره دستی برای اداره شهر برگماشت، اما پس از مرگش، آقامحمدخان که در شیراز گروگان بود با چند تن از افراد قاجار از دربار زندیه به تهران می گریزد. آقامحمدخان در تهران بر قدرت خود می افزاید و به سوی ایلش در مازندران رهسپار می شود. او با تلاش فراوان در ایل خود وحدت ایجاد می کند و با گروهی از اعضای قبیله اش تصمیم می گیرد که تهران را به تصرف خود درآورد.

آقامحمدخان در جنگ اول قادر به تصرف تهران نبود و در جنگی که پیش آمد شکست خورد، زیرا در آن هنگام در تهران حاکمی به نام غفورخان به حکم زندیه بر سر کار بود که فردی بسیار مردم دار و خادم بود و در میان تهرانی ها محبوبیت بسیاری داشت. در نتیجه با تکیه بر قدرت مردم شهر، توانست خان قاجار را شکست دهد،

اما در سال ۱۱۹۷ ق (۱۷۸۲م)، در تهران بیماری وبا شایع می شود و بسیاری از مردم تهران با این بیماری از بین می روند. غفورخان برای نجات مردم تلاش بسیار می کند و خودش نیز به این بیماری مبتلا می شود و فوت می کند. مرگ غفورخان و شرایط ایجادشده در تهران، موجب برتری آقامحمدخان می شود؛ به طوری که در جنگ دیگری که پس از این وقایع رخ می دهد، علی مرادخان زند از تهران فرار می کند. بنا به روایت رضاقلی خان هدایت در «روضه الصفا»، سرانجام مجنون خان پازوکی که از سوی آقامحمدخان حاکم تهران بود، شهر را به طور کامل تصرف کرد (۱۱۹۹ق / ۱۷۸۴م).

پس از این واقعه، بسیاری از پادشاهان زند به خصوص لطفعلی خان، بارها به تهران حمله می کنند، اما به دلیل تضادهایی که میان خاندان زند و شاهزادگان زندیه ایجاد شده بود و نظم و ترتیبی که آقامحمدخان قاجار به تهران داده بود، تهران در دست قاجار باقی ماند و بر پایه نوشته های مورخان قاجاری، آقامحمدخان روز یکشنبه ۱۱ جمادی الاول ۱۲۰۰ ق (مارس ۱۷۸۶م)، که مصادف با عید نوروز بود، به تخت سلطنت جلوس کرد و خود را شاه ایران دانست و به نامش سکه زدند و خطبه خواندند و تهران با پایتخت شدن، مرحله جدیدی از تاریخ خود را آغاز کرد.

ناگفته نماند در مآخذ اولیه قاجار، گاه شهر ساری به عنوان تخت گاه سلطنتی آقامحمدخان نوشته شده و گاه نخستین ورود آقامحمدخان به تهران در زمامداری او را پایتختی تهران و تاج گذاری وی نوشته اند و در این مورد اختلاف نظرهایی وجود داشته است، اما به لحاظ زمانی آنچه در فوق ذکر شد، درست ترین نظرهاست. اختلاف نظر مهمی هم در انتخاب پایتختی تهران در «درون ایل حاکم» دیده نشده است.

درک آقامحمدخان از موقعیت استراتژیکی تهران

بی آنکه نام «دشت تهران» با عنوان تاریخی گذشته آن «ملک ری» مورد نظر باشد، منطقه ای که امروز تهران بزرگ نامیده می شود، از چندین هزار سال پیش مرکز تمدن ایران زمین و مرکز ارتباطات شرق و غرب جهان بوده است. مسیر راه های ابریشم از سیان چین تا ونیز اروپا و راه های دریایی ایران (خلیج فارس تا دریای مازندران) و دیگر راه های تجاری و زیارتی ایران، همه از این منطقه عبور کرده اند. تهران به دلیل پایتختی دارای این امتیازها نشده است، بلکه امتیازهای جغرافیایی، اقتصاد و فرهنگی، تهران را به گونه ای پایتخت طبیعی و تاریخی ایران کرده است.

از اتفاق مورخ «زینت التواریخ» به این امر اشاره کرده و نوشته است: «چون خاطر خطیر اقدس [آقامحمدخان] مقتضی آن گردید که بلده طهران را، که وسط ممالک متفرقه است، دارالسلطنه و مقر اساس سلطنت سازد، لهذا حکمی به عز نفاذ پیوست که مهندسان و بنایان و نجاران و سنگ تراشان مهارت پیشه از دارالسلطنه اصفهان به دارالسلطنه طهران ببرند.» (۳۳۰ v Pers Suppl)

Fol ۲۱۳۴).

عامل های انتخاب تهران به پایتختی و استمرار آن در چند امر جغرافیایی، اجتماعی و سیاسی تبیین شده است.

الف) نزدیک بودن به خاستگاه و مقر ایل قاجار در استرآباد و مازندران به این امر مهم، رضاقلی هدایت اشاره کرده و آورده است: «حضرت شهریار قاجار به عمارت تهران حکم داد و آن شهر شهیر را به ملاحظه قرب جوار به مازندران و استرآباد، دارالملک خود ساخت و در آبادی آن کوشید.» (روضه الصغای ناصری، ج ۹، ۱۹۸).

به این امر دیگر سیاحان اروپایی چون ژوبر (Jaubert) و کرپرتر (Kerperter) هم اشاره کرده اند.

ب) محصور بودن شهرک تهران از سه طرف با سلسله کوه های البرز؛ این امر موقعیت استراتژیک جنگی ممتازی را فراهم آورده است. به این امر کرپرتر و جان ریشارد (Richard J.) نیز اشاره کرده اند

ج) خودکفایی تولیدی و اقتصادی با برخورداری از دو رودخانه جاجرود و کرج و جویبارهای محلی و مناطق حاصلخیز دشت ری، موقعیت ممتاز اقتصادی برای جمعیت تهران در آن روزگار وجود داشت و در شرایط سخت گذر جنگی و وقوع بلاها و آفت های گوناگون، مردم پایتخت در امان بودند.

د) هماهنگی های نظامی: در نزدیکی تهران، سکونتگاه ایلات ساوجبلاغ و خلج های ساوه و عرب های ورامین بود که در جمع، از طرفداران آقامحمدخان بودند و این امر نوعی امنیت نظامی برای او و سلطنتش فراهم آورده بود.

عامل های یادشده و شاید امرهای دیگر، در جمع تهران را مورد طبع آقامحمدخان برای پایتختی قرار داده بود. او با آنکه اقامت زیادی در این شهر نداشت، اما در آبادی و زینت بخشی آن کوشش های زیادی از خود نشان داد

ساختار جمعیتی و وضعیت اجتماعی پایتخت قاجارها

جمعیت تهران در دوره شاه طهماسب در حدود ده هزار تن تخمین زده شده است. سر توماس هربرت (Herbert) جمعیت تهران را به مرور تا سی هزار تن (در سه هزار خانه) آورده است. استاد پورداوود در زمان آقامحمدخان، جمعیت تهران را پانزده هزار تن و در زمان فتحعلی شاه ۴۵ هزار تن نقل کرده است (تاریخ اجتماعی و فرهنگی تهران: ۱۲۴-۱۲۵).

شاید نیمی از جمعیت تهران دارای شغل و حرفه روستایی- شهرکی بوده اند و بقیه نظامیان طرفدار سلسله های زندیه و قاجاریه بودند و شهر در اوان پایتختی، بیشتر جنبه نظامی داشت. از زمان پایتختی، مهاجرت های گوناگون به سوی تهران آغاز شد. بخشی از شهر، سکونتگاه دیوانیان (مستوفیان و منشیان) و قاجاریه گردید و در بخش دیگری از آن، طبقات متوسط و تجار و کسبه سکونت اختیار کردند.

اقلیت های مذهبی شاید به دلیل امنیت و پیشرفت اقتصادی، در تهران رحل اقامت افکندند و به مرور شهر بزرگ شد و ساختمان های زیاد در سرزمین های بایر شهر پدید آمد و گاه در باغ ها و بوستان ها، عمارت های زیبا بنا گردید؛ به گونه ای که در زمان فتحعلی شاه، زین العابدین شیروانی نوشته است: «اکنون که سنه ۱۲۳۷ هجرت است، قریب چهل سال است که دارالملک سلاطین قاجار است، آن شهر در زمینی هموار اتفاق افتاده سمت های شمال فی الجمله گرفته مشتمل است بر قرب پانزده هزار سرای و چندین اسواق. امرای آن دولت عمارت نیکو ساخته اند.» (ریاض السیاحه: ۶۹۴)

از دوره فتحعلی شاه در محله های تهران (عودلاجان [اودلاجان]، چالمیدان، سنگلج، بازار و محله بازار)، ساختمان ها و عمارات جدیدی پدید آمدند و در عهد محمدشاه، توسعه بیشتر یافتند؛ به طوری که در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه، تهران شاه طهماسبی مملو از جمعیت شد و بناهای جدید خارج از برج و باور ساخته شدند و در سال ۱۲۷۴ ق (۱۸۶۷م)، مقرر گردید که بنای شهر صفوی از میان برداشته شود و محیط شهر جدید به سه فرسنگ و نیم برسد و دروازه های شهر از چهار به دوازده درآید و به قول اعتمادالسلطنه، «از این روز شهر طهران موسوم به دارالخلافه ناصری گردید» (تاریخ منتظم ناصری، ج ۳: ۱۸۹۸)

دارالملک یا دارالحکومه و دارالسلطنه در لوای دارالخلافگی حیات خود را تا مشروطیت استمرار داد و برپایه اصل سوم قانون اساسی، «اصل مرکزیت ملی» تحقق یافت و تهران پایتخت رسمی قانونی کشور شد با آنکه دارالخلافه نیز ویران و سلطنت قاجار مضمحل شد، اما پایتختی تهران پایدار ماند. در دوره اخیر تاریخ ایران گه گاه گفت و گوهایی در تغییر پایتخت به میان آمد، اما سرانجام بر بنیاد موقعیت های جغرافیایی و تاریخی و اوضاع اقتصادی در زیرساخت های پدیدآمده در پهنه تهران و شرایط بین المللی، پایدار ماندن پایتختی تهران تحقق همیشگی به دست آورد و تلاش های کار به دستان کشور بیشتر معطوف پایان دادن به معضلات شهری و آرایش محیط زیست و آرامش اهالی گردید.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۳۱۷۰۱/پایتخت-تهران-چرا>